

## عنوان مقاله:

# بررسی الگوی مصرف از منظر دین (قرآن و روایات)

نام و نام خانوادگی:

مریم غفوریان قالیباف\*

میزان تحصیلات: کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی: جامعه‌شناسی

آدرس کال پستی: مشهد- میدان آزادی- پردیس دانشگاه

آدرس الکترونیکی: maryam\_ghafoorian2010@yahoo.com

تلفن: ۰۹۱۵۳۱۸۱۰۴۴

## بررسی الگوی مصرف از منظر دین(قرآن و روایات)

### چکیده

الگوی مصرف هر جامعه نقشی تعیین کننده در تخصیص منابع تولید، نوع کالاهای تولیدی و شیوه توزیع آنها دارد، زیرا تخصیص بهینه منابع برای تولید کالاها و ارائه خدمات به منظور تامین نیازهای ضروری و حیاتی جامعه و رفع فقر و محرومیت، تا حد زیادی به شناخت الگوی صحیح مصرف و اجرای آن بستگی دارد و این امر مبتنی است بر جهت دهی معقول و منطقی به افکار، عقاید، آداب و رسوم و ارزشهای مورد قبول جامعه یا به طور خلاصه، فرهنگ عمومی مردم می باشد. این مقاله اصلاح الگوی مصرف را از نظر ارزشهای دینی به خصوص قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده است. تا هم آگاهی و شناخت لازم برای تشخیص الگوی صحیح مصرف به دست آید و هم در مرحله عمل، ویژگیهای الگوی مناسب مصرف برای افراد جامعه از نظر دین روشن شود.

### واژگان کلیدی:

اسراف، مصرف، دین

## مقدمه

تعریف لغوی: اسراف از ریشه سرف یعنی تجاوز کردن و از حد گذشتن در هر کاری که انسان انجام می‌دهد. (اصفهانی، ص ۴۰۷)

تعریف اصطلاحی: کلمه اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال و تجاوز از حد در هر عملی است که انسان انجام می‌دهد. هر چند که به گفته راغب غالباً در مورد پول خرج کردن استعمال می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶)

کلمه اسراف کلمه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده روی در کمیت و کیفیت و بیهوده گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. (شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۹)

تبذیر: راغب در معنی تبذیر می‌گوید: تبذیر به معنای پراکنده کردن است و اصل آن پاشیدن بذر است و برای هر کس که مالش را ضایع کند به کار میرود.

## تفاوت اسراف و تبذیر و تقتیر و قوام:

با در نظر گرفتن ریشه لغوی اسراف و تبذیر وقتی این دو در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند اسراف به معنی خارج شدن از حد اعتدال است. بدون آن که چیزی را ظاهراً ضایع کنند مثلاً کسی غذایی چنان گران قیمت تهیه کند که با قیمت آن بتوان عده زیادی را آبرومندانه تغذیه کرد در این جا از حد اعتدال تجاوز شده ولی ظاهراً چیزی نابود و ضایع نشده است اما تبذیر آن است که چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضييع منجر شود مثل این که برای دو نفر میهمان غذای ده نفر را تهیه کنیم آن گونه که بعضی به نادانی انجام می‌دهند و به آن افتخار می‌کنند و باقی غذا را در زباله دادن بریزیم و اتلاف کنیم ناگفته نماند که در بسیاری از موارد این دو کلمه درست در یک معنی به کار می‌رود و حتی به عنوان تاکید پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند مثلاً بنابر آنچه در نهج البلاغه از علی (ع) نقل شده است می‌فرماید:

«الا ان اعطاء المال فی غیر حقد تبذیر و اسراف وهو یرفع صاحبه فی الدنيا و یضعه فی الاخره و یکرمه فی

الناس و یهینه عندالله»

یعنی آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است. ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه کند اما مسلماً در آخرت او را پست و حقیر خواهد کرد در نظر مردم ممکن است سبب اکرام گردد اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام انسان خواهد شد.

تقتیر، در مقابل اسراف، به معنی کوتاهی کردن در انفاق است و قوام به معنی حد وسط میان اسراف و اقتار است.

طبق آیات قرآن و روایات، اسراف و تبذیر و تقتیر، مذموم و ناپسند هستند و فقط قوام ممدوح و پسندیده است، که خداوند متعال درباره مومنان می‌فرماید:

«و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتیروا و کان بین ذلک قواما»

«کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند.»

## معانی اسراف در قرآن

۱) از حد گذشتن در گناه و نافرمانی طه ۱۲۷، مائده ۳۲، اعراف ۸۱، یونس ۱۲ و ۸۳، انبیاء ۹، یس ۱۹ زمر ۵۳، غافر ۲۸ و ۳۸

۲) از حد گذشتن در انفاق، فرقان ۶۷

۳) زیاده روی در خوردن یا مصرف آنچه حلال است، اعراف ۳۱، نساء ۶، انعام ۱۴۱

۴) به همراه حرف فی به دو معنی:

الف: تفریط و تفسیر در عمل صالح و حق خداوند، آل عمران ۱۴۷.

ب: افراط و زیاده روی در کاری، اسراء ۳۳. (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۳)

## اسراف در قرآن و روایات

آیات قرآن درباره نکوهش اسراف و تبذیر و جایگاه میانه روی و بهره‌گیری صحیح از نعمت‌های الهی به اندازه‌ای روشن و واضح است که ما به عنوان یک مسلمان باید به چنین مکتب دقیق و اخلاقی افتخار کنیم قرآن در جای جای خود به مسئله اسراف اشاره می‌کند و اسراف کننده را مورد سرزنش قرار می‌دهد، برخی از آیات عبارتند از :

«خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست، هدایت نمی‌کند». (غافر ۸)

«اسرافکاران اهل آتش جهنم هستند» (غافر ۴۳)

«از نعمت های الهی بخورید و بیاشامید، اما اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد» (اعراف ۳۱)

«بندگان خداوند کسانی هستند که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری، بلکه در میان این دو، اعتدالی دارند.» (فرقان ۶۷)

«و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد» (انعام ۱۴۱)

قرآن کریم مسئله اسراف را در معنای بسیار وسیعی به کار برده است و همان گونه که در روایات نیز عنوان شده است اسراف مراتب مختلفی دارد، اسراف در مرتبه ای مختص خوردن و آشامیدن است و در جایی دیگر فرعون نیز در رتبه اسرافکاران قرار می‌گیرد، قرآن به انسان‌هایی که زیاده روی و اسراف می‌کنند توصیه می‌کند که از راهی که در پیش گرفته‌اند، بازگردند واز رحمت و بخشش الهی مایوس نشوند.

خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره بنی اسرائیل نیز این گونه تکلیف مسئله اسراف و تذبذب را روشن می‌سازد که «اسراف مکن و مال خودت را پراکنده مساز، به درستی که اسراف کنندگان برادران شیاطین هستند و شیطان به پروردگارش سخت (منکر) و کفران کننده است» فرهنگ اسلامی همانگونه که دیدیم زیاده روی در مصرف و استفاده از نعمت های مادی را از پایین ترین مراتب اسراف میدانند، در حالی که دایره این موضوع در اسلام بسیار گسترده است تا جائی که بحث از اسراف در عقاید و اعمال نیز به میان می‌آید.

احادیث و اخبار در نكوهش اسراف از ائمه شیعه بسیار نقل شده و به جرات می‌توان گفت که در هیچ مذهب دیگری به این اندازه درباره مسئله میانه روی و اعتدال در مصرف تاکید نشده است، به روایات زیر این مسئله را بیشتر آشکار می‌سازد.

امام کاظم (ع) در وصیت نامه‌ای به هشام می‌فرماید: یکی از لشکر یان عقل میانه روی و از لشکریان جهل زیاده روی است.

امیر المومنین (ع) فرمودند: زیاده روی و اسراف مکن، زیرا بخشش اسراف کار مورد ستایش نیست و تنگدستی او هم مورد ترحم واقع نمی‌شود. (غررالحکم، ص ۳۴)

رسول خدا نیز در این باره این چنین می‌فرماید: السرف یورث الفقر: (زیاده روی فقر به بار می‌آورد)

امام موسی بن جعفر(ع) درجایی دیگر می فرمود: کسی که در زندگی میانه روی وقناعت ورزد، نعمت او باقی می ماند و آن که با تبذیر و اسراف زندگی کند، نعمتش از بین می رود. (تحف العقول، ص ۳۰۱)

علاوه بر این درسرخنان گوهر یارائمه هدی علیهم السلام بارها از اسراف و زیاده روی به عنوان عامل تباهی مال و ثروت، از بین رفتن برکت و مقدمه و زمینه فقر و تنگدستی یاد شده است.

### حد معتبر در اسراف با سه ملاک به دست می آید:

۱- شرع مقدس: مرز ورود و ارتکاب محارم و معاصی، مرز حدود الهی اند. ارتکاب این معاصی اگر بدون صرف مال باشد، از دیدگاه شرع، اسراف به معنای گناه و تجاوز از دستورهای دینی و ظلم به نفس و دیگران می باشد، و در صورتی که همراه با مخارج مالی باشد، ارتکاب این محرم شرعی گذشته از این که به جهت همان ظلم به نفس خود و نفوس دیگران، معصیت شمرده می شود، از طرف دیگر خرج مال در راه آن نیز به عنوان تنذیر و اسراف اقتصادی، گناه دیگری خواهد بود. (مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۱۳)

۲- حکم عقل: این معیار در مواردی است که عقل بر قبح صرف مال در آنها حکم می نماید به گونه ای که تجاوز از آن به نوعی سفاهت و جهالت رجوع کند مانند انفاق به کسی که استحقاق آن را ندارد و نیز اتلاف و نابود کردن ثروت و یا خرج آن در موارد بی جا و بی فایده که حاکی از نابودی عمل است. لذا عده دیگری از اهل لغت، اسراف را به غفلت و جهل و خطا معنی کرده اند.

۳- عرف جامعه: به عنوان مثال مصرف مال در راه مصالح شخصی وزن و فرزند و یا انفاق آن برای مصالح دیگران، هر کدام محدود به حدی است که عرف جامعه آن را براساس اوضاع و شان اقتصادی و اجتماعی هر شخص تعیین و محدود می نماید.

به طور کلی می توان گفت، بر طبق فرهنگ دینی و قومی ما، مستهلک نمودن انرژی و ثروت و کالاهای مصرفی به نحوی که این استفاده در غیر محل مورد نیاز خود صورت پذیرفته و نتیجه و ما بازای معقول خارجی برای این مصرف نتوان تصور کرد، عملی قبیح شمرده شده و در شرع اسلام حرام و مرتکبین آن را مستوجب عقاب می باشند. به عنوان مثال استفاده بیش از حد نیاز از غذا، خرید پوشاک متعدد در مدل های مختلف به نحوی که تا مدتها نوبت استفاده از آنها فرانسد، تعویض پی در پی تلفن همراه، رایانه و مبلمان مترل و استفاده از کالاهای تجملی و .... این اموراژ مواردی می باشند که عقلای عالم هیچ گونه نتیجه و ما

بازای معقول خارجی در قبل صرف پول و انرژی برای خرید و استفاده از آنها متصور نشده و چنین عملی را خلاف اصول عقلی و نوعی بیماری روانی مصرفی معرفی می‌نمایند.

## الگوی مصرف در اسلام

از مجموعه دستورهای اسلامی در این زمینه به دست می‌آید که الگوی مصرف در اسلام نیز مبتنی بر سه اصل اساسی است:

### الف- تمتع و انتفاع از مواهب الهی

اسلام برخلاف برداشت گروهی که گمان می‌کنند تقرب و بندگی خداوند با بهره‌وری از نعمت‌های الهی، منافات دارد، تمتع و برخورداری از مواهب زندگی را برای مسلمانان، نه تنها جایز، بلکه امری ضروری می‌شمرد و کناره‌گیری از لذت مادی در حد مشروع را به عنوان رهبانیت، امری ناپسند و غیرمشروع می‌داند.

ب- قناعت: علی‌رغم تلاش‌های فرهنگ غرب در جهت ترغیب هرچه بیشتر انسانها به رقابت در مصرف روز افزون، اسلام به قناعت و مناعت فرا می‌خواند و انسان را به کنترل بر خویش و پرهیز از حرص و نزاع بر سر برخورداری های مادی، تشویق و ترغیب می‌نماید.

ج- پرهیز از اسراف و تبذیر: مسلمانان را از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی در مصرف بر حذر می‌دارد و آنها را به اعتدال و رعایت میانه روی در استفاده از نعمتهای خداوند، دعوت می‌کند. چکیده سخن این که، الگوی نظری اسلام در باب مصرف، این آیه کریمه است: «... کُلُوا و اَشْرَبُوا و لا تَسْرِفُوا ان الله لا یحب المَسْرِفین: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید همانا خداوند اسرافگران را دوست نمی‌دارد» (اعراف: ۳۱)

## قرآن و صرفه‌جویی

اصولاً نگاه قرآن به مسئله اقتصادی نگاهی در راستای بهره‌وری مناسب و درست از امکانات، وسایلی است که خداوند در اختیار بشر به طور مستقیم و یا با تولید و کار قرار داده است. از این رو از مردم می‌خواهد که هر چیزی را درست و به شکل مناسب آن مورد استفاده قرار داده واز اسراف و تبذیر و عدم بهره‌مندی از آن خودداری ورزند. به سخن دیگر در اسلام همواره سخن از اقتصاد است. اقتصاد که از واژه قصد گرفته شده به معنای میانه روی و اعتدال است. (مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه قصد) از این رو بنیاد امور در حوزه تولید

وتوزیع و مصرف کالا در بینش و نگرش قرآنی میانه روی است. هرگونه رفتارهای بیرون از این چارچوب از نظر قرآن تنها نادرست و نابهنجار بلکه گناه و گام جرم قانونی تلقی می شود. همان گونه که زیاده روی و اتراف و اسراف و تبذیر امری مردود و نادرست و گناه شمرده است همین طور عدم استفاده از نعمتهای حلال خداوند و عدم بهره مندی از آن در راستای آسایش و آرامش و کمال، امری مفهومی و ناپسند دانسته شده و شخص مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته است.

خداوند در آیاتی چون آیه ۱۴۱ سوره انعام از مردم می خواهد که از اسراف و تبذیر دوری ورزیده و هزینه های خویش را در چارچوب اعتدالی قرار دهند. در آیه ۳۱ سوره اعراف از مردم می خواهد که از نعمت های خداوند استفاده کرد و از آن بخورند و بیاشامند ولی اسراف نکنند، زیرا اسراف امری ناپسند در نزد خداوند است و اهل اسراف را خداوند دوست نمی دارد.

### ضرورت اعتدال در مصرف

آیه ۱۴۱ سوره انعام به مسئله اعتدال در مصرف اشاره دارد که همان معنای صرفه جویی و بهینه سازی مصرف در اقتصاد امروز جهان است. خداوند در آیه، اعتدال در مصرف و دوری از اسراف و تبذیر را اصلی مهم در هزینه کرد اموال اقتصادی بر شمرده و در آیه ۳۱ سوره اعراف و نیز ۲۶ سوره اسراء و همچنین ۶۷ سوره فرقان بر آن تاکید می ورزد.

در حقیقت از نظر اسلام و قرآن، اعتدال در مصرف و میانه روی و صرفه جویی به معنای مصرف درست و متناسب، اصلی اساسی و از اصول نخستین اقتصاد اسلامی می باشد که مومنان برای دست یابی به کمال شخصی و جمعی و امت اسلامی برای رسیدن به جامعه نمونه و برتری می بایست آن را در نظام اقتصادی خویش در نظر گیرند.

از آن جایی که قرآن کتاب هدایت آدمی و جامعه بشری به سوی تعالی و کمال است برنامه و نظام اقتصادی آن نیز در همین چارچوب می باشد.

از این رو خداوند بر لزوم وسیله قرار گرفتن ابزارهای اقتصادی برای تحصیل امر معنوی و اخروی تاکید می کند. (قصص آیه ۷۷) و می کوشد تا با جمع میان دنیا و آخرت در حوزه اقتصادی مردم را به سوی کمال سوق دهد (بقره آیه ۲۰۱ و نساء آیه ۱۳۴ و آیات دیگر) از نظر اسلام سلامت اقتصادی و پرهیز از فساد دیگران

در حوزه اقتصادی (اعراف آیه ۸۵ و هود آیات ۸۴ تا ۸۷ و شعراء آیات ۱۷۷ تا ۱۸۳) و دهها آیه دیگر این امر نمی تواند جزء با صرفه جویی و بهینه سازی مصرف همراه باشد، زیرا اقتصاد در هرحال بستری برای تکامل بشری است و به عنوان هدف ابزاری و یا میان مطرح می باشد که می بایست آدمی با بهترین شیوه مصرف و استفاده درست و مناسب، خود را در جایی قرار دهد که بتواند رشد و کمال خویش را ادامه دهد. از این روهمان اندازه که اسراف و اتراف و تبذیر زشت و ناپسند است استفاده نکردن درست از نعمت های خداوندی نیز به معنای نادیده گرفتن ابزارهای کمالی است. از نظر قرآن، اقتصاد و ثروت مایه قوام جامعه است (نساء آیه ۵) و اموراتصادی و معیشت مردم دارای جایگاهی مهم در حد مسایل اعتقادی و عبادی (بقره آیه ۳ و ۳۱ و ۴۲ و ۸۳ و ۱۷۷ و ۱۷۷ و ۲۷۷) دارد و براین اساس می بایست همگان از شخص و جامعه و دولت در مسیر اقتصاد سازنده و مثبت حرکت کنند تا فرصتهایی برابر برای همگانی جهت دستیابی به همه ابزارهای رشد و تکامل فراهم آید.

بنابراین هرکس که با مصرف زیاد و اتراف و تبذیر و اسراف بخشی از ابزارهای رشدی و کمالی را از میان ببرد می بایست پاسخ گویی خدا و جامعه انسانی باشد.

### **مصرف گرایی و پدیده اسراف**

پدیده مصرف گرایی و اسراف در نقطه مقابل مصرف بهینه قرار گرفته است. مصرف گرایی یا به عبارت ساده تری اسراف که یکی از بزرگترین آفت ها و آسیب های فردی و اجتماعی و از گناہانی است که مورد نهی شدید خداوند متعال واقع شده است و در مقابل اعتدال و میانه روی در مصرف قرار گرفته است؛ به طور کلی هر گونه زیاده روی در کمیت و اتلاف را شامل می شود. (امام علی و اقتصاد اسلامی، ص ۱۲۱)

در حقیقت مصرف گرایی عامل تخریب رشد، توسعه و از بین رفتن منابع ملی است. مصرف گرایی از یک نگاه در معنای مصرف نامتعارف است که نیاز فیزیکی فرد را برطرف نمی سازد، بلکه نیاز کاذب فرد یا افراد را که گاه به تقلید از دیگران، تبلیغات، شرایط مادی یا تغییرات ساختار جامعه ایجاد شده برطرف می سازد. مصرف گرایی در نگاه عالمان دین نیز در همان معنای لغوی اسراف استعمال شده است و هر گونه بیهوده گرایی، زیاده روی و اتلاف و مانند آنها را اسراف می دانند.

با عنایت به تعریف یا تعریف های ارائه شده برای اصطلاح مورد بحث و نیز با لحاظ آیات و روایات و کلمات فقیهان در این باب، نکات مهمی در خصوص اسراف قابل توجه است:

۱- اسراف مفهومی گسترده دارد و تنها به بهره‌برداری از آب، نان، پوشاک، و اموری از این دست محدود نمی‌شود. در تعلق رایج ما، خوردن و آشامیدن به استفاده از خوردنیها و آشامیدنیها محدود می‌شود و براساس نصوصی مانند «کلو واشربو ولا تسرفوا نه لایحی المسرفین» «از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نوزید، زیرا خدا اسراف‌گران را دوست ندارد» اسراف را حرام می‌دانیم، حال آن که چه اشکال دارد این حکم را به دیگر نعمتهای الهی مانند هوا، نفت، گاز و معادن طبیعی تعمیم دهیم و بهره‌وری بی‌حد و حصر و غیر بهینه از آنها را نیز حرام بدانیم؟ آیا با وجود محدودیت اکسیژن زمین، تخریب جنگلها که منبع تولید این نعمت حیاتی است ورود بیش از حد خودرو ایجاد غیراستاندارد صنایع دود زا و ... از اسراف و حرام نیست؟ به خصوص اگر اکسیژن هوا راحق همه مردم بدانیم.

۲- اسراف، تنها به جنبه کمی و اندازه بهره‌وری از مال و ثروت محدود نمی‌شود بلکه درست و بهینه مصرف نکردن، هم از مصادیق اسراف است.

۳- اسراف، امری نسبی است و بر حسب شرایط زمانی، جوامع و نیز شان افراد و با توجه به پیشرفت و عدم پیشرفت اقتصادی، رشد و عدم رفاه، و با عنایت به وضعیت معیشتی و سطح برخورداری مردم مختلف و متغیر است ممکن است استفاده از یک مقدار کالا در یک جامعه و یا برای یک فرد، تجاوز از حد محسوب شود و در جامعه دیگر و یا برای شخصی دیگر، چنین به حساب نیاید، هم چنین ممکن است بهره‌برداری از یک خدمت، در جامعه ای پیشرفته و مرفه، امری عرفی و معمولی محسوب می‌شود ولی در جامعه‌ای توسعه نیافته، خروج از حد اعتدال به نظر آید.

۴- در کارهای نیک و امور مثبت مانند پرداخت صدقه و دیه دادن نیز اسراف قابل تحقق است.

## نتایج و پیامدهای مصرف‌گرایی

۱- تهاجم فرهنگی ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و روانی را در بر می‌گیرد، که روی هم رفتارهای مختلف انسانهای مورد تهاجم خود را با درونی کردن ارزشهای مورد نظر شکل میدهد. در برخی موارد تغییر در الگوی مصرف یک کشور و تمایل به تجملات و مصرف‌گرایی از اهداف تهاجم فرهنگی می‌

باشد که با تغییر درالگوهای مصرفی مردم و ظهورگرایش های تجملی باعث ایجاد جامعه مصرف گرا می شوند.

۲- یکی دیگر از پیامدهای مصرف گرایی تاثیرات منفی در فضای معنوی جامعه می باشد. چرا که در بسیاری از مواقع زیاده خواهی، تجمل پرستی و مصرف گرایی باعث رواج خود خواهی، رشد روحیه فرد گرایی و نادیده انگاشتن بسیاری از اصول اجتماعی و اخلاقی که رعایت آن برای زندگی جمعی از ضروری ترین مسایل است خواهد شد. (رزاقی، ۱۳۷۴، ص ۲۴)

بنابر این از مهمترین آثار و پیامدهای اسراف و مصرف گرایی در جامعه اسلامی که می تواند باعث کم رنگ شدن ارزشها و آموزه های دینی و معنوی شود به موارد زیر میتوان اشاره کرد:  
الف) محرومیت از دوستی خدا

خداوند متعال در آیه ۱۴۱ سوره انعام می فرماید: «...انه لا يحب المرفین» «خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد»

ب) فساد اجتماعی

از دیدگاه قرآن یکی از آثار پیامدهای اسراف و مصرف گرایی، فساد در زمین است؛ زیرا هر گونه تجاوز از حد، موجب فساد و از هم گسیختگی می شود و به تعبیر دیگر سرچشمه فساد، اسراف است. قرآن کریم در آیه های ۱۵۰-۱۵۳ سوره شعراء می فرماید:

«فاتقوا الله و اطیعون و لا تطیعوا امر المرفین الذین یفسدون فی الارض و لا یصلحون» «پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید، همان ها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند»

ج) گمراهی و محرومیت از هدایت الهی: یکی دیگر از آثار و پیامدهای اسراف و مصرف گرایی گمراهی و محرومیت از هدایت الهی است.

خداوند متعال در آیه ۳۴ سوره غافر می گوید:

«کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب»

«این گونه خداوند هر اسراف کار تردید کننده ای را گمراه می سازد.» (نوروزی، ۱۳۸۶، ص ۹۵)

۳- مصرف گرایی در جامعه دارای اثرات مخرب و زیان بار دیگری است که از مهمترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### الف) افزایش واردات

اشاعه فرهنگ مصرف گرایی باعث افزایش تجمل گرایی و نیازهای غیر ضروری در جامعه می شود و همین امر نیز باعث سیل ورودی کالاهای خارجی جهت رفع نیازهای فرد و جامعه نیازمند به تولید کنندگان خارجی و باعث افزایش واردات و تضعیف تولید کنندگان داخلی می شود.

#### ب) کمبود گرایش به سرمایه گذاری های زیر ساختی

در جامعه ای مصرف گرایی به یک فرهنگ تبدیل شده باشد، افراد جامعه دیگر میلی به سرمایه گذاری در بخش های عمرانی و زیر ساختی جامعه که زمان بر می باشد ندارند و همه به دنبال سرمایه گذاری در خرید و فروش کالاهای پر مصرف و فعالیت های زود بازده می باشند، به همین دلیل مصرف گرایی باعث کاهش گرایش به سرمایه گذاری های زیرساختی و عمرانی در جامعه خواهد شد.

### اسراف فردی و اسراف فردی

مصادیق و نمونه های اسراف، دارای آثار و پیامدهای یکسان نیست. زیرا آثار و تبعات برخی از آنها مانند پرخوری و پرخوابی، می تواند محدود به فرد اسراف گر باشد و از ناحیه آن آسیب و زیانی متوجه دیگران نشود ولی برخی از آنها، مانند استعمال دود، در فضایی بسته خانه و آلوده کردن محیط آن، دارای پیامدهای بیشتری است. زیرا اعضای خانواده با این عمل، زیان می بینند. باید گفت پیامدهای پاره ای دیگر از نمونه های اسراف، مانند آلوده کردن فضای شهر، فراتر از خانواده، ساکنان آن شهر را در بر می گیرد و چنانکه خواهیم گفت زیاده روی در مصرف آب، به گونه ای که آب مصرفی دیگران قطع شود و نیز اسراف در بهره گیری از انرژی برق به نحوی که این عمل، منجر به خاموشی برق و محرومیت دیگران از آن شود نیز از همین قبیل است.

ما در این مقاله از اسرافهایی که دارای پیامدهای فردی باشد به « اسراف فردی» و از دیگر مصادیق آن موجب ضرر و زیان دیگران می شود به « اسراف فرا فردی» تعبیر می کنیم. بدیهی است هر چه آثار و پیامدهای اسراف، گسترده تر باشد حرمت و نکوهش آن نیز شدیدتر است. اگر طبق روایاتی که ذکر شد، به

زمین ریختن اندک آب اضافی و یا استفاده نابجا از لباس، اسراف و مورد نکوهش باشد زیاده روی در مصرف آب، سوخت و انرژی که موجب تضییع حقوق دیگر شهروندان می شود به طریق اولی اسراف و مورد نکوهش است.

## مصارف فردی و مصارف دولتی

عده‌دار برخی مصارف، دولت است و میان مصارف فردی و مصارف دولتی تفاوت‌های عمده ای وجود دارد از جمله:

- ۱- فرد، با اموال و منافع شخصی خود سرو کار دارد ولی دولت با اموال عمومی (بیت المال) و مصالح جمعی.
- ۲- در بسیاری از موارد، مصارف دولت و تخصیص بودجه‌ها از سوی نهادها و سازمان دولتی به تدابیر گسترده و سیاست گذاریهای دقیق و برنامه ریزیهای پیچیده نیازمند است، بر خلاف مصارف فردی که در این حد از اهمیت نیستند.
- ۳- پیامدهای مصارف فردی، محدود است، برخلاف مصارف دولتی، که گاه تبعات و نتایج مثبت یا منفی آن، یک شهر و دیار بلکه همه کشور را در برمی گیرد واز همین رو اگر رفتار زشتی مانند خیانتکاری در عرصه‌های محدود امور فردی، زشت و نکوهیده باشد در امور دولتی و آنچه به کشور و امت اسلامی مربوط می شود زشت تر و نکوهیده تر است در فرازی از امام علی(ع) آمده است بزرگترین خیانت، خیانت به امت اسلامی است.
- ۴- به طور معمول و مع الاسف، انگیزه افراد در صرفه جویی و بهره‌وری صحیح از اموال دولتی نسبت به اموال شخصی، کم تر وضعیف تر است. یکی از کارشناسان امور اقتصادی می گوید: ۲۵ درصد بودجه شرکت ها دولتی حیف و میل می شود و در راه تولید به مصرف نمی‌رسد وی در اشاره به هزینه‌های بالاسری سنگین این گونه شرکتها گفت با بررسی چند نمونه به صورت غیررسمی، متوجه شدیم می توان نزدیک به ۱۰ درصد هزینه‌های بالاسری و ۱۵ درصد هزینه‌های مستقیم بودجه را کاهش داد. این تفاوت ها ایجاب می کند جهت تعیین الگوی مصرف در هزینه‌ها و مصارف دولتی، واقعیات و مکانیزمهای دیگری را نیز مورد توجه قرار دهیم.

## بدترین نوع اسراف:

از مهمترین و حیاتی ترین مسئولیت های افراد یک کشور که خواهان اقتصادی مستقل، سالم و پر رونق باشند، حفاظت و مراقبت از ثروتها و منابع ملی است: مانند معادن، جنگلها، دریاها، منابع آب و سایر منابع ثروت ملی، که تاثیر مستقیمی بر حیات اقتصادی جامعه دارند و استفاده صحیح و بهینه از آنها کشور را به سمت رفاه و غنای مادی حرکت می دهد، ولی استفاده بی رویه و تضييع آنها خیانتی در حق نسل حاضر و نسل های بعد می باشد برای مثال، جنگل ها و مراتع، که از سرمایه های حیاتی یک کشور بوده و نقش به سزایی در پالایش هوا، زیبایی طبیعت، تامین چوب و کاغذ مورد نیاز یک ملت دارند، بر اثر استفاده بی رویه دولت ها و برخی از افراد سودجو در چند دهه گذشته، صدمات زیادی دیده اند به گونه ای که از سال ۱۹۶۰ تا کنون قریب نیمی از جنگل های جهان از بین رفته است. در کشور ما نیز روند تخریب جنگل ها کمابیش به همین نسبت بوده است زیرا وسعت جنگل های شمالی طی دو دهه (۱۳۵۰ - ۱۳۷۰) تقریباً به نصف رسیده و از ۳/۴۰۰/۰۰۰ هکتار به ۱/۹۰۰/۰۰۰ هکتار در کاهش یافته است.

با توجه به مطالب گذشته، می توان بدترین و زشت ترین نوع اسراف را زیاده روی و تضييع ثروت های ملی و هم چنین بیت المال جامعه اسلامی دانست. حفاظت از اموال عمومی و بیت المال نشانه حاکمیت فرهنگی غنی و تعهد و ایمان یک ملت است و در مقابل، سهل انگاری در این مساله و یا استفاده شخصی از بیت المال نشانه عدم تعهد، ضعف ایمان و نبودن رشد فکری لازم در افراد یک جامعه است. در یک جامعه اسلامی، با توجه به تاکید و سفارش امامان معصوم نسبت به حفظ اموال عمومی و بیت المال، مسوولیت افراد جامعه، به ویژه کارگزاران حکومت، سنگین تر است.

متأسفانه برخی از مدیران کل و کارمندان دولت در جامعه اسلامی ما به این مساله با تسامح نگریده، عملاً مراقبت و دقت لازم را ندارند. اسراف و تبذیر در اموال عمومی و بیت المال، منحصر به زیاده روی در مصرف یا بهره برداری غیر صحیح نیست، بلکه به وجود آوردن یک محیط شیک و تشریفاتی و خرید چراغها و صندلیهایی با قیمت های گزاف و تعویض آرایه های اتاق از مصادیق بارز اسراف و تبذیر در بیت المال می باشند (موسوی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۵)

## وضعیت موجود جامعه ما:

در جامعه کنونی مصادیق بسیاری را می توان برای تذبذب و پاش شناسایی و معرفی کرد. این مساله اختصاص به بخش خصوصی و افراد مترف ندارد بلکه در بسیاری از عروسی ها و مهمانی های دولتمردان و همایش های دولتی، به وفور می توان مصادیق آن را یافت و معرفی کرد. پارچه نویسی های بسیار برای بازگشت از زیارت و یا برای مراسم تدفین و مانند آن یکی از مصادیق تذبذب است.

پس از هر مهمانی و مجلس رسمی از جشن تولد گرفته تا ولیمه نوزاد و حج و عروسی، می توان غذاهای تذبذبی را دید که در ظروف آشغال و پلاستیک گذاشته شده است و این در حالی است که بسیاری از مردم در تهیه ضروریات زندگی خود با مشکل مواجه هستند.

در راستای دستیابی به الگوی تازه ای از مصرف و بهره وری بیشتر از منابع و فرصت ها و با هدف سربلندی جوامع اسلامی و زدودن زنگارها و پیراهان مذاهب، این مقاله پاره ای از آداب، سنت ها و رفتارهای دینی مرسوم را مورد خرد گیری و واکاوی قرار داده است.

۱- نذورات خوراکی: در گذشته های دور فقیر بودن برابر با گرسنه بودن بوده و سیر نمودن یک فرد گرسنه و دادن یک وعده غذایی به او به معنای دور کردن فقر از او بوده است. به همین جهت نذر غذا و توزیع آن میان فقیران، به عنوان یک آموزه دینی مورد پذیرش مردم قرار گرفت. ولی امروزه نداشتن مسکن، عدم دسترسی به بهداشت و درمان، نداشتن امکانات آموزشی و مانند آن از مصادیق فقر به حساب می آید. بنابراین، کارکرد نذورات در شرایط کنونی و صرفا به شکل سنتی آن، فاقد اثربخشی است. افزون بر این، امروز نذورات معمولا میان اطرافیان که نیازی به وعده غذایی ندارند توزیع می گردد. بر این پایه، نذورات نوعی هدر دادن منابع است و باید در شکل اجرای آن تجدید نظر شود.

## ۲- افطاری های ماه رمضان

ماه رمضان به جهت خودداری از خوردن و آشامیدن در ساعات روز، بهترین فرصت برای صرفه جویی و نشانه ای از لزوم کم مصرف کردن است ولی متاسفانه مصارف غذایی در این ماه بیشتر می شود. پر خوری در ساعات مجاز خوردن و پختن خوراکیهای رنگارنگ و دادن افطاری به غیر نیازمندان، خود نوعی اتلاف منابع است.

### ۳- تعطیلات مذهبی

تعطیل کردن روزهای ولادت و شهادت امامان معصوم به منظور بزرگداشت ایشان، که منجر به ایجاد وقفه در امور اداری، آموزشی و اقتصادی در جوامع اسلامی می‌گردد، می‌تواند نمونه‌ای از ضایع کردن منابع و عدم استفاده از امکانات باشد آیا به راستی دست کشیدن از کار و نشستن درخانه، موجب شادی و رضایت آن امامان می‌گردد؟ آیا با تعطیل نبودن ادارات و برگزاری یک مراسم مختصر در محل کار و در مدارس یا دانشگاهها امکان بزرگداشت آن بزرگان بهتر فراهم نمی‌آید.

### ۴- برگزاری تجمعات و ایراد سخنرانی

با توجه به گسترش رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری و فراهم شدن امکان دسترسی مردم به اطلاعات و از سوی دیگر بالا رفتن تعداد افراد باسواد، به نظر می‌آید که شیوه سنتی ایجاد ارتباط با مردم و اطلاع رسانی به آنان، کارکرد خود را از دست داده است امروز دیگری نیازی به تجمع برای نشان دادن «وحدت حمایت و قدرت» نیست. در ادبیات سیاسی، امروز شیوه‌ها و معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری میزان اقبال مردم، تعریف شده است بنابراین به نظر می‌رسد که صرف کردن هزاران نفر، ساعت از سرمایه مردم در تجمعات نوعی نابودی منابع به شمار می‌آید.

### ۵- ساختن مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌های اضافی

یکی از افتخارات جوامع اسلامی و مسلمانان از گذشته‌های دور این بوده است که برای انجام عبادت، زیباترین مساجد را می‌ساختند و بهترین مناطق را به آن اختصاص می‌دادند. این مساجد، امروز بخشی از تمدن و تاریخ کهن مسلمانان به شمار می‌آیند متأسفانه در بسیاری از موارد، امروزه ساختن مساجد، حسینیه و تکیه نه از سر نیاز بلکه از روی رقابت‌های محله‌ای است. به گونه‌ای که در یک محله کوچک شاهد ساختن چند مسجد و حسینیه هستیم که به جهت نداشتن بودجه کافی نیمه کاره مانده‌اند و در همان حال زیبا هم نیستند جالب آن که در طول سال تنها در ماههای ویژه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و در بسیاری مواقع بی‌استفاده می‌مانند. بر پایه آنچه گذشت لازم است که سازمان و صنف روحانیت برای بهره‌برداری بهتر و موثر تر از داشته‌های دینی، و تجدید نظر در شیوه‌های تبلیغ و به دست آوردن روشهای تازه در بالا بردن فهم دین و ایجاد جذابیت در عبادات کوشش نموده و به عنوان پیشگامان الگوسازی برای اصلاح مصرف اقدام نمایند.

## راهکارهای اساسی اصلاح الگوی مصرف

آنچه بر اصلاح الگوی مصرف و دستیابی به فرهنگ بهینه مصرف در کشور دارای اهمیت می باشد این است که اصلاح الگوی مصرف نیازمند تبیین استراتژی و تعیین خط مشی است که طی آن، این اصل به یک شعار تغییر ماهیت ندهد. در واقع لازمه دستیابی به این مهم در کشور، خیزش و حرکتی عمیق از سوی مسئولان و همه آحاد جامعه می باشد. لذا می بایست همگی این اصل را یک ضرورت دانسته و فعالیت‌های خود را در راستای رسیدن به این اصل مهم برنامه‌ریزی نمایند و برای دستیابی به این امر فرهنگ سازاقدام نمایند. لذا پرهیز از شعار زدگی و حفظ صیانت اصل موضوع به عنوان مهم ترین عامل در مسیر اصلاح الگوهای مصرف و همچنین تبیین و تحقق آن وظیفه اصلی همه مردم مسئولین به شمار می‌رود.

## فرهنگ سازی

۱- یکی از پیش‌نیازهای این مسیر برای رسیدن به نتیجه مطلوب، زمینه سازی ذهنی و فرهنگی برای اقشار مختلف جامعه است. امروزه فردی از اعضای جامعه باید بداند که در فعالیت‌های خود باید به بهینه مصرف کردن منابع مادی اقدام نماید تا کشور به اهداف تعریف شده در سند چشم انداز بیست ساله نظام برسد و شکوفایی در همه ابعاد ملی تحقق یابد. لذا بدون ایجاد فرهنگ این کار و طراحی و تامین بایسته‌های آن به طور قطع راه به جایی نخواهیم برد. چرا که اصلاح الگوهای مصرف در کشور یک شب و به طور ناگهانی و با صدور یک دستورالعمل و بخش نامه عملی نمی‌شود. لذا فرهنگ سازی پایدار بستر اصلی نهضت اصلاح الگوی مصرف می‌باشد.

۲- داشتن مدیریت مدبرانه و عاقلانه مصرف یکی از ضروریات اولیه این امر به حساب می آید. مسئولان و متولیان امر با پرهیز از شعار زدگی نباید به برگزاری چند همایش، سخنرانی و چاپ مقاله و کارهایی از این قبیل خود را سرگرم کنند. لذا وجود مدیریت صحیح و عاقلانه در سطح کلان در جهت هدایت و تدوین و انتخاب یک استراتژی راهبردی، طبق نقشه راهی که مقام رهبری ترسیم نمودند، زمینه تحقیق این طرح ملی و آینده ساز که حقیقتاً پیشرفت کشور و توسعه عدالت در گرو آن است از ضروریات اجتناب ناپذیری باشد.

۳- اصلاح الگوی مصرف: یکی از تحولات اساسی که باید در الگوی مصرف فعلی در ایران به وجود آید، تغییر ذائقه مردم از کالاهای خارجی به سمت تولید داخل است. دروضع فعلی با وجودی که در بسیاری از زمینه‌ها، تولید داخلی می‌تواند نیازهای جامعه را تامین کند، مصرف‌کنندگان ترجیح می‌دهند از کالاهای مشابه خارجی استفاده کنند که این گرایش رامی‌توان ناشی از باورهای فرهنگی شکل گرفته درطول سالیان متمادی و نیز کیفیت غیر استاندارد داخلی دانست.

### طراحی سازوکار

یکی دیگر از پیش‌نیازهای اصلی در مسیر اصلاح الگوی مصرف، ترسیم اهداف، ابعاد و راهکارهای رسیدن به موضوع و تعیین شاخص‌هایی برای سنجش و ارزیابی روند و چگونگی پیشرفت امور است. باید برای جلوگیری از مصرف‌گرایی و اتلاف منابع و فرصت‌ها و هزینه‌ها در تمامی حوزه‌ها سند و نقشه راهبردی تهیه و ابلاغ شود. یعنی با تهیه این سند، مدیران، مسئولان و فرماندهان سازمان‌های مختلف می‌توانند با اجرا و به‌کارگیری روشها و شیوه‌های مدون خود را در مسیر تحقق این اصل مهم قرار دهند.

### جلب مشارکت مردم

جلب مشارکت مردم و افزایش آگاهی‌های آنان نسبت به مصرف صحیح امکانات و منابع از دیگر راهکارهای در مسیر اصلاح الگوی مصرف می‌باشد. حقیقتاً اصلاح الگوی مصرف در جامعه از کارهایی انجام‌شدنی است که هر یک از اعضای جامعه با مشارکت و ملزم نمودن خود به درست مصرف کردن از منابع، منابع عظیمی را برای جامعه حاصله می‌نماید.

- گنجاندن اصلاح در نظام آموزشی کشور به گونه‌ای که هرچه سطح آموزش بالاتر رود اطلاع و شناخت بیشتری در خصوص درک و ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه حاصل شود.

- استفاده و بهره‌گیری از برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای در راستای اصلاح الگوی مصرف

- گنجاندن برنامه اصلاح الگو در برنامه توسعه کشور و مصوبه‌های دولت یعنی حرکت همه دستگاه‌های دولتی به طور مستمر و پایدار در جهت تحقق منویات مقام رهبری

- ارائه الگوی آموزشی مناسب و اصولی به مردم از طریق سازمان ها و نهادهای ذیربط، برای مثال سازمان برق می تواند از طریق آموزش مصرف بهینه دربرگه‌های قبوض مصرفی مشترکین به ارائه الگوهای مناسب معرفی در جهت اصلاح مصرف اقدام نماید.

- ارائه الگوی مصرفی مناسب عملی اعم از اداری و خصوصی کلیه مسئولین کشور

- تغییر در فرهنگ مصرف کنونی و ضد ارزش نشان دادن مصرف گرایی براساس ارزشها و آموزه‌های دینی  
- مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب در ایجاد فرهنگ ناپسند مصرف گرایی و تجمل پرستی با آگاه سازی و تعمیق بینش و بصیرت سیاسی و اسلامی افراد جامعه.

### نتیجه گیری:

آنچه امروز اتفاق می افتد این است که قدرتهای بزرگ صنعتی که فراملیتی و جهانی شده اند برای انسان تصمیم می گیرند که چه چیز خوب است و چه چیز بد و با قدرت عظیم رسانه‌ای و تبلیغات مجهز به آخرین فنون روانشناختی آن را به خورد مردم می دهند شاید مقصود خود ما باشیم که با پناه بردن به مصرف گرایی و مسخ خود خواسته برای فرار از رنج‌های وجودی و نگرانیهای ریشه‌دار درهستی مان، به این غولهای صنعتی اقتصادی قدرت بخشیده‌ایم و هر روز نیز از محصولات متنوع و بی فایده شان استقبال می کنیم و سعی داریم پوچی و یکنواختی زندگیمان را با مصرف این محصولات متنوع جدید جبران کنیم، مثال ساده‌اش را در مدل‌های جدید تلفن همراه و سایر لوازم اولیه زندگی است که ببیند در واقع هیچ فرق عمده‌ای با قبلی‌ها ندارند و فقط روزمرگی ما را جوابگو هستند.

و این درحالی است که شناخت انسان از آنچه می تواند بیافریند، شکوفایی نیروهای خلاقه انسان و احساس هویت و معنا در زندگی می تواند ما را از این تخدیروخماری مصرف بیرون بکشد و ادارمان کند به نیازهای اساسی خود فکر کنیم و در راستای تحقق آنها گام برداریم. این گونه می شود که واژه مصرف گرایی برای بسیاری از ما بی معنا خواهد شد امام علی(ع) در این باره می فرماید «آگاه باشید خرج کردن به ناحق، حیف و میل و اسراف است» قرآن نیز در آیه ۱۴۱ سوره انعام در مورد اصلاح الگوی مصرف و بهینه مصرف کردن

می‌فرماید: «و از آن میوه هنگامی به ثمر می‌نشیند بخورید و حق آن را به هنگام دور بپردازد و اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.»

با توجه به این نکات می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع در هر کشوری است، سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت در آن جامعه را مهیا خواهد کرد. از طرفی الزام مصرف بهینه باعث می‌شود تا علاوه بر پیشرفت علمی ناشی از ارتقای فن‌آوری در طراحی و ساخت وسایل و تجهیزات بهینه مطابق با استانداردهای جهانی، فرصت توزیع مناسب منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌هایی که کمتر مورد توجه بوده است نیز فراهم گردد.

آنچه بر اصلاح الگوی مصرف و دستیابی به فرهنگ بهینه مصرف در کشور دارای اهمیت می‌باشد این است که اصلاح الگوی مصرف نیازمند تبیین استراتژی و تعیین خط‌مشی است که طی آن، این اصل به یک شعار تغییر ماهیت ندهد. درواقع لازمه دستیابی به این مهم در کشور، خیزش و حرکتی عمیق ازسوی مسئولان و همه آحاد جامعه می‌باشد. لذا می‌بایست همگی این اصل را یک ضرورت دانسته و فعالیت‌های خود را در راستای رسیدن به این اصل مهم برنامه‌ریزی نمایند و برای دستیابی به این امر فرهنگ‌ساز اقدام نمایند.

حال با توجه به سال جدید به عنوان اصلاح الگوی مصرف اهمیت دارد از تجربه همه اقشار جامعه برای شکوفایی و سربلندی کشورمان استفاده کافی را داشته باشیم. هم‌چنین از تجربه برخی کشورهای توسعه یافته که برنامه آنها مبتنی بر مدل بومی و دینی بوده و هم‌چنین با به کارگیری فرهنگ‌سازی، مدیریت قوی و جلب مشارکت مردم سود جست و با اتکا به دانشمندان جوان کشور، همانند کشورهای پیشرفته دنیا در راه توسعه و آبادانی کشورمان نقش کلیدی داشته باشیم و این نکته هم نباید فراموش شود که سیاست‌گذاری نادرست و به عبارتی نبود سیاست و برنامه در سطوح اصلاح الگوی مصرف که مبتنی بر یک اندیشه توسعه گراست را در نهایت به ضد خود تبدیل می‌کند.

در این راستا باید همه اقشار مختلف جامعه و به خصوص مسئولان نظام، باید با الگو قرار دادن موارد مطرح شده در آموزه‌های دینی و اسلامی و با به کارگیری شیوه‌های مدیریتی جدید و نوآوری در بخش‌های مختلف و دستگاه‌های گوناگون و استفاده درست و بهینه از منابع عظیم ثروت کشورمان برای اقتدارمیهن عزیزمان تلاش کنند. هم‌چنین در این راستا، مسئولان و مدیران نظام با برنامه‌ریزی‌های درست و به موقع هم می‌

توانند از عوامل اصلی تحول به شمار روند و هم می توانند از مهم ترین موانع اساسی تحول محسوب شوند هیچ تحول بدون حمایت و پشتیبانی مدیران ارشد در سازمان ها به وجود نمی آیند. اگر مدیران نسبت به برنامه های تحول تعهد داشته باشند، تلاش زیادی باید انجام گیرد ولی اگر مدیران اعتقاد نداشته باشند و پشتیبانی نکنند هیچ تحولی ایجاد نخواهد شد. به همین منظور در هر برنامه بهبود و تحول، اطمینان از حمایت و پشتیبانی مدیران ارشد لازم و ضروری است اگر مدیران به تحول اعتقادی نداشته باشند باید توجیه لازم صورت گیرد. بدون حمایت مدیران آغاز هیچ برنامه تحولی توصیه نمی شود.

در آخرین که برای رسیدن به این هدف عالی و ورود به مرحله رشد و شکوفایی حرکت های عادی و تکرار حرکت های گذشته پاسخگو نیست و هر ملتی که می خواهد در عرصه رشد و شکوفایی وارد شود و وظیفه خود را به عنوان بخشی از جامعه بشری انجام دهد و راه های بهره مندی خود را از زندگی مطلوب تر فراهم کند، چاره ای جز تلاش و تولید اندیشه و فکر ندارد.

## منابع و ماخذ

- ۱- خرمشاهی، بهالدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان و انتشارات ناهید، ۱۳۷، چاپ اول، ج ۱
- ۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق- بیروت، دارالعلم، الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق- چاپ اول،
- ۳- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ جلد ۴
- ۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، چاپ اول، جلد ۶
- ۵- نوروزی، محمد، آسیب شناسی رفتاری انسان از دیدگاه قرآن، نشر، بوستان کتاب قلم، ۱۳۸۶
- ۶- رزاقی، ابراهیم، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران چاپخش، ۱۳۷۴
- ۷- موسوی، سید مهدی، پژوهشی در اسراف یا آفت سرمایه ها، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱
- ۸- نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، نامه ۲۶، ص ۸۸۴
- ۹- آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۹۵
- ۱۰- کالانتزی، علی اکبر " اسلام و الگوی مصرف: در آمدی بر کم و کیف مصرف در عرصه های گوناگون براساس فقه و اخلاق اسلامی " نشریه جمهوری اسلامی، ۱۶، ص ۶
- ۱۱- دشتی، محمد، امام علی و اقتصاد اسلامی، قم، مشهور، ۱۳۸۶
- ۱۲- مجمع البیان، طبرسی، مترجم: احمدی میرآقا، علی، ۱۳۸۴
- ۱۳- تحف العقول، علی بن حسین بن شعبه خزانی، ترجمه و تحقیق صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۲
- ۱۴- غررالحکم و درر الکلم، حضرت علی(ع)، ترجمه: محسن موسوی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳